

## به شیادی و حقه‌بازیهای دولت ایران بنگریم!

عنوان فوق نام نوشته‌ای است که در ماه آگوست 2007 با کمک چند سایت اینترنتی پخش گردید، شاید چند سطری را به کردی زیر عنوان **روژنامه‌وانانی بیسنور و دیوجامه ده‌ولته‌تی ئیران** آماده نمایم. بهتر دانستم همان نوشته را مجدداً برای سایتها روانه نمایم، امیدوارم مرا کمک کنند.

با **سپاس فراوان** سه‌عی سه‌قزی 2008 / 2 / 25

چند سطر زیر از طریق رسانه‌های دولتها و سایت‌های آزاد اینترنتی در اختیار ما خواننده‌گان و شنوندگان قرار گرفته است:

**BBC PERSIAN.com** }

12:31 گرینویچ - سه شنبه 31 ژوئیه 2007 - 09 مرداد 1386

**اتهامات دو روزنامه نگار کرد محکوم به اعدام**

سخنگوی قوه قضائیه ایران در نشست هفتگی خود با خبرنگاران تأیید کرد که دو روزنامه نگار کرد ایرانی به اعدام محکوم شده اند و از آنان با عنوان "محارب" یاد کرد، یعنی کسی که علیه حکومت اسلامی دست به اسلحه ببرد.

خبر صدور حکم اعدام برای عدنان حسن پور و عبدالواحد بوتیمار (معروف به هیوا) دو هفته پیش به صورت غیررسمی منتشر شد و فعالان حقوق بشر صدور این حکم را بشدت محکوم کردند.

در نوشته فوق مسئله‌ای که فکر مرا بخود مشغول نموده، دروغگوی و فریبکاری دولت ایران میباشد و آن اینست برای این دو انسان اسیر در بند و محکوم به اعدام عنوان (روزنامه‌نگار **کرد**) را بکار برده‌اند.

تغیر زندگی انسان از دوران غارنشینی به دوران امروز، امروزیکه انسان میتواند در کوتاهترین مدت زمان از رویدادهای کرهء زمین و دگر سیارات مطلع شود، ثمرهء علم و دانش است! عرصه دانش وسیع، سن هر فرد انسان هم کوتاه، امکان دسترسی به دانش در کل برای یک فرد محال میباشد. خود علم انسان را آموزش داده برای بهره‌گرفتن از امکانات علم تقسیماتی را در آن انجام دهد، در هر قسمت عده‌ای بکار تحقیق بپردازند و دیگران را آموزش دهند. علم رشته‌های بسیار دارد، مانند: فزیک، شیمی، زمین شناسی، داروسازی .... دانش‌آموزان در هر رشته‌ای که بدان علاقه دارند به تحصیل میپردازند. رشتهء روزنامه‌نگاری هم موجود میباشد! پس حرفه روزنامه‌نگاری را آقایان (**عبدالواحد بوتیمار - هیوا**) و (**عدنان حسن پور**) به عنوان کار انتخاب نموده و امروز به خاطر آن زندانی میباشند! تلاش برای رهایی آنها به عنوان دو زندانی در کل و بطور اخص دو روزنامه‌نگار زندانی یک امر مهم میباشد!

**روزنامه‌نگار کرد !!**

هر انسانی که کاری را انجام میدهد، آنرا در اختیار دیگران قرار میدهد. با فروش این کار هم زندگی خویش را تامین و دیگران را نیز از کار خویش بهرمنند مسازند! یک داروساز تولید خویش تحویل بازار میدهد، کسانی که بدان نیاز دارند آنرا خریده و مورد استفاده قرار میدهند.

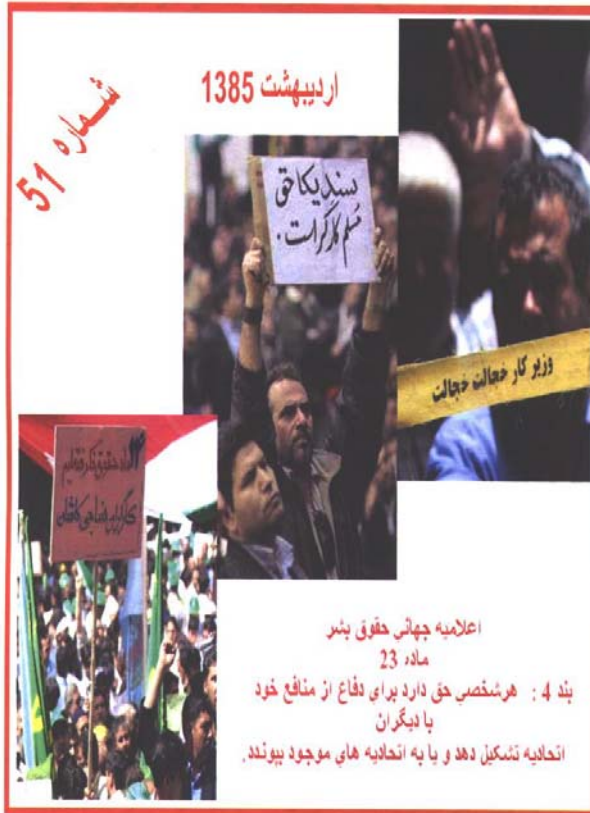
نویسنده‌ای کتابی را مینویسد، از طریق کتابفروشی در دسترس مردم قرار میگیرد، مردم آنرا خریده و مطالعه مینمایند. همه کس نمیتواند کتاب را بخواند، کسانی میتوانند کتابها را بخوانند که خواندن و نوشتن بلد باشند. آنها هم نمیتواند کلیه کتابها را بخواند، تنها کتابی را میتواند بخواند که خواند و نوشتن آن زبانی را که کتاب با آن نوشته، یاد گرفته باشند. برای یادگیری باید به دبستان، دبیرستان و دانشگاه رفت.

همه اینرا میدانم که انسانهای این کره خاکی با یک زبان صحبت مینمایند. در همان ایرانیکه آن دو روزنامه‌نگار کرد محکوم به اعدام گشته‌اند، چند ملت با زبانهای متفاوت زندگی مینمایند که عبارتند از: **ترک، ترکمن، بلوچ، عرب، فارس، گیلک، ارمنی و کرد**. در ایران فقط **فارسیها** به زبان مادری خویش درس میخوانند. دبستان، دبیرستان و دانشگاه به زبان آنها وجود دارد، سایر ملل موجود در ایران دبستان، دبیرستان و دانشگاه ندارند، از آموزش زبان مادری خویش محروم میباشند، آنها را به فراگیری زبان فارسی آموزش میدهند، چنین سستیسی را در مدارس ایران پیاده نموده و مینمایند که زبان ملتهای فون در زیر سیستم فارسیزم دارد نابود میشود. در اینجا به یک نمونه اشاره مینمایم. پس از جایگزین کردن (سیستم جمهوری) به جای (سیستم پادشاهی) آقای مهندس **مهدی بازرگان** نخستوزیر ایران شدند، ایشان در آن هنگام به تبریز سفر مینمایند، مردم تبریز با شعار **بازرگان یاشاسن** از ایشان استقبال کردند. بعد از رفتن بازرگان به تبریز، روزنامه **آیندگان** مقاله‌ای را زیر عنوان **(نخستوزیری که زبان مادری خویش را نمیداند)** به چاپ رسانید.

حال باید به این مسئله اشاره نمود، آقای بازرگان که از زبان مادری خویش حالی نمیشد، چگونه میتوانستند یک روزنامه یا کتابی را که به زبان ترکی نوشته شده باشد بخوانند. مردم شهر تبریز میتوانند به زبان مادری خویش حرف بزنند، ولی آنها هم نمیتوانند کتاب یا روزنامه‌ای که به زبان ترکی نوشته باشد، بخوانند. سایر ملل دیگر در ایران به همان سرنوشت ملت ترک گرفتار هستند. دولت ایران دبستان، دبیرستان و دانشگاه را از ملتها فوق منع نموده! ولی در رسانه‌های خویش از **نویسنده کرد، نویسنده بلوچ، نویسنده ترک، روزنامه‌نگار کرد، روزنامه‌نگار بلوچ، روزنامه‌نگار ترک** .... استفاده مینماید. این یک عمل فریبکاری و شیادی بیش نبوده و نیست!

این کار در زمان پهلوی نیز وجود داشت. دولت ایران با این عمل فریبکارانه به جهانیان میگوید: **همه زبانهای موجود در ایران آزاد و دارای نویسنده و روزنامه‌نگار خویش میباشند**. به سند زیر بنگریم: **روزنامه‌ای به زبان کردی به نام کردستان در 30 شهریور 1339- 28 سپتامبری 1960**





گزارش ماهانه تقض گسترده ، مستمر و برنامه ريزي شده حقوق بشر در ايران

## مطبوعات ايران در سال 1384



فعالين ايراني دفاع از حقوق بشر در اروپا و امريكاى شمالى

در کلیه اسناد این کمیته پیرامون ممنوعیت زبانی زبان ملتهای ترک، کرد، ترکمن، بلوچ، ارمنی، عرب و گیلک در ایران چشم پوشی مطلق وجود دارد! این روش کار در سایر سازمانهای مدافع حقوق بشر در عرصه ایران اجرا میگردد. **این سیاست در مسیر سیاست دولت ایران حرکت مینمایند!**

اما در رابطه با آن دو جوان کرد در بند و محکوم به اعدام، باید گفت: **پرونده سازی** برای دولت ایران در کل و بخصوص در رابطه با کردستان کاری چندان مشکلی نبوده و نیست. اینکار سابقه تاریخی دارد.

### جنگ اردشیر با کردان

سپاهی ز اصطخر بی مر ببرد      بشد ساخته تا کند رزم کرد  
بنیکی ز یزدان همی جست مزد      که ریزد بر آن بوم وبر خون دزد

فردوسی

راستی، انسان میتواند در **خانه خود دزد باشد و بیگانه پاک و منزه باشد؟! یا اینکه حضرت فردوسی پرونده سازی مینماید تا زمینه لشکرکشی هموار گردد!؟**

حال اگر پرونده جنگ اردشیر مطابق سروده فردوسی را به آقای **{صالح نیکبخت}** وکیل، وکیلی که زبان مادریش توسط دولت ایران منع گشته { برای قضاوت بسپارند، چگونه داوری میفرمایند؟